





تأملی در سوره شناسی سوره اعلی

فرزاد دهقانی * 

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

محمد علیمحمدی 

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

سوره شناسی یکی از شیوه‌های دستیابی به محتوا و مفاهیم والای یک سوره است که در نهایت هویت خاص یک سوره را شناسایی و مطالب پایه‌ای و محورهای موضوعی موجود در سوره را با دقت در سوره مجاور و زوج آن آشکار نموده و به غرض اصلی نزول آن سوره نزدیک می‌گردد؛ در این راستا پژوهش حاضر به صورت توصیفی - تحلیلی و گردآوری داده‌ها با روش اسنادی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها، با روش کیفی (تحلیل تفسیری و منطقی) به دنبال پاسخ به این سؤال است که محورهای موضوعی و غرض اصلی سوره اعلی با توجه به سوره مجاور (طارق) و سوره زوج (غاشیه) چیست؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سیاق یکپارچه سوره اعلی در ۸ محور موضوعی تسبیح، جایگاه تسبیح و اصل تسبیح، تذکر دادن، وظیفه پیامبر (ص)، پند گریزان در انتظار آتشی بزرگ، زنده ماندنی که بدترین وبال است، حاضر بودن مخلوقات در محضر خداوند، قیامت؛ روز آشکاری اسرار، تنها خالق هستی و سرای آخرت برای سعادت‌مندان بهتر و ماندگارتر است، با سوره مجاور و زوج مرتبط شده و هویت مستقل آن مشخص می‌شود. در نهایت غرض سوره اعلی همان نتیجه و چکیده سور مسیحات است که در دو محور عنایت و حمایت ویژه از پیامبر (ص) و «به سلامتی مردن» و پاک و بی‌آلایش برای جهان ابدی بودن را تشریح می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سوره شناسی، سوره اعلی، محور موضوعی، سوره زوج، سوره مجاور.

مقدمه

یکی از شاخه‌های جدید تفسیر ساختاری، سوره‌شناسی و سوره‌کاوی است که به واسطه دکتر محمدعلی لسانی فشارکی^۱ و شاگردان ایشان از جمله دکتر ابوالفضل خوش‌منش^۲ و دکتر حسین مرادی زنجانی^۳ چند سالی است در کشور معرفی شده است. در روش سوره‌شناسی مفاهیم و محتوای والای هر سوره به درستی به دست می‌آید و نیاز به فهم و عمل به یکایک سوره‌ها را در زندگی امروزی نمایان می‌سازد و کتاب زندگی بودن قرآن از تئوری وارد مرحله عملیاتی می‌شود؛ بنابراین با استفاده از این روش می‌توان محورهای موضوعی یک سوره را با کمک سوره مجاور یا زوج آن سوره استخراج نموده و یک غرض اصلی سوره نزدیک‌تر شد؛ لکن از آنجاکه سوره اعلی یکی از مسبحات بوده و دارای موضوعاتی کاربردی و پایه‌ای است؛ نگارندگان در تلاش‌اند با روش مذکور هویت خاص سوره را شناسایی نموده و به این سؤالات پاسخ دهند که غرض اصلی و واقعی سوره اعلی چیست؟ این سوره چه محورهای موضوعی (رکوعات) دارد؟

در زمینه سوره‌شناسی علاوه بر منابعی که در سطر نخست اشاره شد؛ مقالات و پایان‌نامه‌هایی نیز به قلم تحریر درآمده است که مقاله «سوره‌شناسی مسبحات» از سرکار خانم سیده زهرا اعتصامی و دکتر سوسن آل رسول یکی از آنهاست که به استخراج مشترکات هفت سوره مسبحات پرداخته و برخی مضامین اصلی همچون تسبیح، اسماءالحسنی، رسالت و اصول پنج‌گانه دین را به عنوان مشترکات سور مسبحات بیان داشته؛ لکن در بیان وجه تفاوت پژوهش حاضر با این منبع باید افزود که نگارندگان در

۱. لسانی فشارکی، محمدعلی. (۱۳۷۵ ش). طرح جامع آموزش زبان قرآن کریم، به کوشش مهدی غفاری، تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).

۲. خوش‌منش، ابوالفضل. (۱۳۹۰ ش). حمل قرآن (پژوهشی در روش شناسی تعلیم و تحفیظ قرآن مجید)، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۳. لسانی فشارکی، محمد علی و حسین مرادی زنجانی. (۱۳۹۳ ش). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، قم: بوستان کتاب؛ لسانی فشارکی، محمد علی و حسین مرادی زنجانی. (۱۳۹۵ ش). سوره‌شناسی (روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم)، تهران: نصایح.

تلاش اند که تنها به سوره شناسی سوره اعلی، با توجه به سوره مجاور و زوج آن پرداخته و محورهای موضوعی موجود میان آنها را استخراج نماید بنابراین نوع ورود و خروج و محدوده دو تحقیق متفاوت بوده و خدشهای به ضرورت انجام تحقیق حاضر نمی‌رسد.

۱. سوره شناسی

در سوره شناسی، قرآن نه به عنوان کتاب یا مجموعه‌ای از آیات، بلکه به عنوان مجموعه‌ای از سوره‌ها، مورد بررسی و دقت و تدبیر قرار می‌گیرد و از جایگاه، اهداف، مقاصد، محور موضوعی و ویژگی‌های خاص یکایک سوره‌ها بحث می‌شود. سوره شناسی که همان قرآن‌شناسی سوره به سوره است، در واقع یکی از مهم‌ترین انواع و رشته‌های نوپدید در حوزه علوم قرآنی است که به شناختن یکایک سوره‌ها، در راستای تبیین تفاوت‌های آن با دیگر سوره‌های قرآن می‌پردازد. نزدیک‌ترین انواع سنتی به این رشته نوپدید و کارآمد، دو نوع «فضائل القرآن» با زیرمجموعه «فضائل السور» و «خواص القرآن» با زیرمجموعه «خواص الآيات و السور» است. در منابع تاریخی از این علم با عنوان «خصائص السور» یاد شده است.

دانش سوره شناسی برخلاف (علم تفسیر) که به شرح و توضیح ترتیبی یکایک آیات به ترتیب سوره‌ها می‌پردازد و اساساً به قرآن به عنوان مجموعه‌ای از آیات می‌نگرد، صرفاً در پی شناسایی چیستی و چرایی «سور» ها و حصارهایی است که به دور مجموعه‌ای از آیات کشیده شده است و از جایگاه، اهداف و ویژگی‌های خاص یکایک سوره‌ها بحث می‌کند و حکمت و ماهیت و کیفیت این «سور» ها و حصارها را که به دور قسمت‌های مختلف قرآن کشیده شده‌اند مورد بازبینی و بازشناسی قرار می‌دهد. سوره شناسی در واقع قرآن‌شناسی تفصیلی در برابر قرآن‌شناسی اجمالی است و در پی آن است که برای مثال - بداند جایگاه و رسالت سوره (أعلی) در این عالم چیست؟ این سوره اصولاً به چه منظور از آسمان به زمین آمده است و چه وظائفی را بر عهده دارد؟ این سوره قرار است انسان را به کجا برساند؟ آن را در کجای زندگی باید قرارداد و در زندگی ما چه موضوعیتی دارد؟ چه یاری و مددی می‌تواند به ما برساند؟ آیا می‌تواند برای سیاست و حکومت و یا نظام

آموزشی و پرورش ما رهگشا باشد؟ ما چه سهمی از بلاغ و بیان و نور و هدایت این سوره می‌توانیم داشته باشیم؟ این سوره اگر نبود چه می‌شد؟ چه کمبودهایی وجود داشت؟ چگونه سوره (اعلی) در زندگی انسان حاکم و حاضر می‌شود؟ کدام آیات چارچوب اصلی این سوره را تشکیل می‌دهد؟ محور موضوعی آن چیست؟ در پرتو کدام سوره‌های دیگر می‌توان این سوره را بهتر و بیشتر شناخت؟ سوره زوج و سوره‌های هم گروه آن کدامند؟ با سوره‌های قبل و بعد از خود چه تناسبی دارد؟ نام‌های دیگر آن چیست؟ چرا با این نام‌ها خوانده شده است؟ جایگاه این سوره نزد اهل بیت (ع) چگونه است؟ قرائت این سوره چه آثار و برکات و خواصی می‌تواند داشته باشد و...؟ (لسانی فشارکی و مرادی زنجان، ۱۳۹۳ ش: ۲۳۶). برای شناسایی هویت مستقل سوره مبارکه اعلی باید محورهای موضوعی این سوره مشخص شود سپس در پرتو سوره‌های زوج که «غاشیه» و سوره مجاور که «طارق» است، بررسی شود.

۲. سیمای سوره اعلی

سوره اعلی هشتاد و هفتمین سوره قرآن کریم است که میان دو سوره طارق و غاشیه جای گرفته است. این سوره دارای یک رکوع است و ۱۹ آیه و ۷۲ کلمه و ۲۷۱ حرف دارد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق: ۲۳۲) نام این سوره از واژه «الاعلی» به معنای «برتر»، از نخستین آیه آن: «سبح اسم ربك الاعلی» گرفته شده است. (فیروزآبادی، ۱۴۱۶، ۱: ۵۱۴) این سوره مکی است و ۱۹ آیه کوفی دارد (نک: بلخی، ۱۴۲۳ ق، ۴: ۶۶۷ قمی، ۱۳۶۷ ش، ۲: ۴۱۶؛ سمرقندی، بی‌تا، ۳: ۵۷۰؛ طوسی، بی‌تا، ۱۰: ۳۲۸؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ ق، ۱۰: ۱۸۱؛ طبرسی، ۱۳۷۷ ش، ۴: ۴۷۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ۲۰: ۲۳۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ ق، ۴: ۴۳۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۴: ۷۳۷؛ رشیدالدین میبدی، ۱۳۷۱ ش، ۱۰: ۴۵۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۱۰: ۷۱۷؛ ابن عطیه أندلسی، ۱۴۲۲ ق، ۵: ۴۶۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۳۱: ۱۲۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ۱: ۱۳؛ شیبانی، ۱۴۱۳ ق، ۵: ۳۴۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ۵: ۳۰۵؛ جرجانی، ۱۳۷۷ ش، ۱۰: ۳۳۶؛ ابن جزى غرناطی، ۱۴۱۶ ق، ۲: ۴۷۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ۴: ۴۱۷؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ ق، ۵: ۵۷۷). هر چند مدنی بودن سوره از ضحاک هم گزارش شده است (نک:

طوسی، بی تا، ۱۰: ۳۲۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۱۰: ۷۱۷؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ ق، ۵: ۴۶۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ۲۱: ۱۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ۵: ۳۱۵؛ ابن عاشور، بی تا، ۳۰: ۲۴۰. هر چند قول مذکور ضعیف است (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ ق، ۵: ۴۶۸).

علامه طباطبایی می نویسد: سیاق آیات اول سوره سیاق آیات مکی است و اما ذیل سوره یعنی از جمله «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى...» (اعلیٰ/۱۴) مورد تردید است برای اینکه از طرق ائمه اهل بیت (ع) و همچنین از طرق اهل سنت روایاتی رسیده که منظور از «تزکی» دادن زکات فطره و خواندن نماز عید است و این را هم می دانیم که روزه و توباعش که یکی زکات فطره است و همچنین نماز عید، بعد از هجرت در مدینه تشریع شده نتیجه می گیریم که آیات ذیل سوره در مدینه نازل شده، پس سوره مورد بحث مشتمل است بر آیات مکی و مدنی هر دو و این با روایاتی که می گوید این سوره مکی است منافاتی ندارد، برای اینکه می توان آن را حمل کرد به اینکه منظور صدر سوره است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲۰: ۲۶۴). دیدگاه علامه به خاطر ذکر نماز و زکات است ولی باید توجه داشت که این احتمال وجود دارد که دستور به نماز و زکات در بخش آخر این سوره یک دستور عام باشد هر چند نماز عید فطر و زکات فطره یکی از مصادیق روشن آن محسوب می شود و می دانیم تفسیر به مصداق روشن در روایات اهل بیت (ع) بسیار فراوان است. بنابراین نظر مشهور که می گویند تمام سوره مکی است بعید به نظر نمی رسد، به خصوص اینکه آیات آغاز و پایان سوره کاملاً از نظر مقاطع حروف هماهنگ است و مشکل بتوان گفت قسمتی در مکه و قسمتی در مدینه نازل شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ۲۶: ۳۸۲). بنا به روایتی هر گروهی از مسلمانان وارد مدینه می شدند سوره اعلیٰ را بر مردم مدینه می خواندند^۱ و به راین اساس سوره به طور کامل در مکه نازل شده است نه در مدینه.

۱- و أخرج ابن سعد و ابن أبي شيبة و البخاري عن البراء بن عازب قال أول من قدم علينا من أصحاب النبي صلى الله عليه و سلم مصعب بن عمير و ابن أم مكتوم فجعلوا يقرءان القرآن ثم جاء عمار و بلال و سعد ثم جاء عمر بن الخطاب في عشرين ثم جاء النبي صلى الله عليه و سلم فما رأيت أهل المدينة فرحوا به شيء فرحهم به حتى رأيت الولائد و الصبيان يقولون هذا رسول الله صلى الله عليه و سلم قد جاء فما جاء حتى قرأت سبح اسم ربك الأعلى في سور مثله (سيوطي، الدر المنثور، ۱۴۰۴ ق، ۶: ۳۳۷).

۳. محورهای موضوعی سوره اعلی

با توجه به این که یک سوره حداقل متشکل از چندین محور موضوعی است و همه‌ی این رکوعات در راستای هدفی واحد که غرض اصلی سوره هست بیان شده‌اند؛ لکن در روش سوره‌شناسی با تمرکز بر روی سوره زوج و سوره مجاور که در تحقیق حاضر سوره غاشیه به‌عنوان سوره زوج و سوره طارق به‌عنوان سوره مجاور برای سوره اعلی مطرح است و محورهای موضوعی بین این سه سوره جاری است که در این قسمت به آن‌ها پرداخته می‌شود.

ردیف	محورهای موضوعی با تکیه سوره مجاور و زوج
۱	تسبیح، جایگاه تسبیح، اصل تسبیح
۲	تذکر دادن؛ وظیفه حضرت (ص)
۳	پندگريزان در انتظار آتشی گران
۴	زننده ماندنی که بدترین وبال است
۵	مخلوقات در محضر خداوند
۶	قیامت؛ روز آشکاری اسرار
۷	تنها خالق هستی
۸	سرای آخرت برای سعادتمندان بهتر و ماندگارتر است

۳-۱. تسبیح، جایگاه تسبیح، اصل تسبیح

سوره اعلی با تسبیح شروع می‌شود «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» (اعلی / ۱)؛ نام پروردگار والای خود را به پاکی به ستای؛ در این آیه منظور از اسم خدا اسم لفظی نیست؛ بلکه امر وجودی است چون اسم به معنای آیت و نشانه است و هر چه مظهر خدا و اسم او باشد، می‌تواند اسم الله نامیده شود. (الهی زاده، ۱۳۹۶، ۲۵۰) و از آیه ۲-۴ که با الذی شروع می‌شود «الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى. وَ الَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى. وَ الَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى» (اعلی / ۲-۴)؛ همان که آفرید و هماهنگی بخشید؛ و آنکه اندازه‌گیری کرد و راه نمود؛ و آنکه چمنزار را برآورد. در این آیات شریفه خداوند جایگاه تسبیح را بیان می‌کند و آیه موردبحث تا چهار آیه بعد در مقام توصیف تدبیر الهی است و این خود برهانی است بر ربوبیت مطلقه او. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۲۰: ۴۴۱) در این راستا از آیه ۲ تا ۱۴، جایگاه تسبیح و علت تسبیح را گوشزد می‌کند

و وظیفه‌ی انسان را در مقابل این کمالات خدا بیان می‌کند در آیه ۱۵ از ذکر نام پروردگار و خضوع صحبت می‌کند «وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» اگر اول سوره از تسبیح نام خدا صحبت کرده و اینجا فقط از ذکر نام خدا، بدین خاطر است که ذکر نام خدا منجر به تسبیح نام خدا می‌شود، خدایی که نامش مستجمع جمیع کمالات است طبعاً انسانی که این نام را ذکر کند خود را مستجمع جمیع نغزها خواهد یافت و به تسبیح نام خدا خواهد پرداخت؛ و در آیات ۱۷-۲۰ سوره غاشیه «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآيَاتِ الَّتِي خُلِقَتْ. وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ. وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ. وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ» (غاشیه/۱۷-۲۰)؛ آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده؟ و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟ و به کوه‌ها که چگونه برپا داشته شده؟ و به زمین که چگونه گسترده شده است؟ امور چهارگانه‌ای که در آیات فوق آمده زیر بنای زندگی انسان را تشکیل می‌دهد: آسمان کانون نور است و باران و هوا و زمین مرکز پرورش انواع مواد غذایی کوه‌ها رمز آرامش و ذخیره آب و مواد معدنی و شتر نمونه روشنی از چهارپایان اهلی که در اختیار بشر قرار دارد. به این ترتیب هم مسائل کشاورزی، هم دامداری و هم صنعتی در این امور چهارگانه نهفته شده است و اندیشه در این نعمت‌های گوناگون، خواه ناخواه انسان را به شکر منعم وای می‌دارد و شکر منعم او را به معرفت الله و شناخت خالق نعمت دعوت می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ۲۶: ۴۳۲) در این آیات شریفه خداوند کیفیت خلقت را بازگو می‌کند تا با تأمل در آن‌ها به اصل تسبیح پی برده شود؛ تسبیحی که وسیله نجات است. قرآن درباره حضرت یونس (علیه السلام) می‌فرماید: «فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلَبَثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (صافات/۱۴۴-۱۴۳)؛ گر او از زمره تسبیح‌کنندگان نبود، قطعاً تا روزی که برانگیخته می‌شوند، در شکم آن [ماهی] می‌ماند. (قراحتی، ۱۳۸۸ ش، ۱۰: ۲۲)

۲-۳. تذکر دادن؛ وظیفه حضرت (ص)

خداوند در سوره اعلی به رسول گرامی‌اش امر می‌کند که «فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى» (اعلی/۹)؛ پس پند بده، اگر پند سود بخشد. در سوره غاشیه هم وظیفه‌ی رسولش را پند دادن می‌داند: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (غاشیه/۲۱)؛ پس تذکر ده که تو تنها تذکر

دهنده‌ای. با این آیه شریفه مشخص می‌شود در هر حال رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) باید پند دهد چون وظیفه‌ی ایشان همین است و این اشکال در سوره اعلی برطرف می‌شود که برخی مفسران گفته‌اند «ان» شرطیه است و حضرت (صلی الله علیه و آله) به شرط نافع افتادن، باید پند دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۲۰: ۲۶۸). بلکه منظور این است که تذکر به هر حال سودمند است و افرادی که به هیچ وجه از آن منتفع نشوند کمند، بعلاوه حداقل موجب اتمام حجت بر منکران می‌شوند که این خود منفعت بزرگی است. برنامه عملی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز گواه بر این است که او برای تبلیغات و تذکرات خود هیچ قید و شرطی قائل نبود و همگان را وعظ می‌کرد و انذار می‌نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ۲۶: ۳۹۷) همچنین ذیل این محور موضوعی، اشتراکات و تناسب‌های لفظی بین سوره اعلی و سوره زوج آن برقرار است و آن نیز تکرار چندین مرتبه‌ای عبارت‌های: «فَذَكِّرْ» «الذِّكْرُ» «سَيَذَكِّرْ» «ذَكِّرْ» در سوره اعلی و عبارت‌های: «ذَكِّرْ» «مُذَكِّرْ» در سوره غاشیه که به عنوان سوره زوج مطرح است.

۳-۳. پندگريزان در انتظار آتشی گران

در سوره اعلی برای کسانی که از تذکر رسول (صلی الله علیه و آله) پند نگیرند اضافه کرده «سَيَذَكِّرْ مَنْ يَخْشَى. وَ يَتَجَبَّبُهَا الْأَشْقَى. الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى» (اعلی ۱۰-۱۲)؛ آن کس که ترسد، به زودی عبرت گیرد؛ و نگون‌بخت، خود را از آن دور می‌دارد. همان کس که در آتشی بزرگ درآید. این عدم پندپذیری و عاقبت شقی‌ها در سوره غاشیه نیز آمده است: «إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ. فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ» (غاشیه ۲۳-۲۴)؛ اگر کسی که روی بگرداند و کفر ورزد، که خدا او را به آن عذاب بزرگ‌تر عذاب کند. در اینکه این استثناء از کدام جمله است؟ تفسیرهای مختلفی وجود دارد؛ یکی اینکه استثناء از جمله محذوفی است و در معنی چنین است: "تذکر ده که تذکر برای همه نافع است، مگر آن‌ها که با حق دشمنی دارند" شبیه چیزی که در آیه ۹ سوره اعلی آمده: «فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى» (اعلی ۹) (بنا بر اینکه آیه معنی شرطی داشته باشد). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش،

۴۳۴: ۲۶) برای این گروه در سوره اعلی از «النَّارَ الْكُبْرَى» استفاده کرده و در سوره غاشیه از «العَذَابَ الْأَكْبَرَ» که خود جای بسی تأمل دارد.

۳-۴. زنده ماندنی که بدترین وبال است

در سوره اعلی سرنوشت اشقیا را در آتش می‌داند، آتشی که نه در آن بمیرند و نه به حال سلامتی برگردند «الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى. ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى» (اعلی / ۱۲-۱۳)؛ خداوند در این آیات آتش جهنم را بزرگ دانسته و حالت جهنمیان را این چنین وخیم دانسته که نه می‌میرد که آسوده گردد و نه حالتی را که در آن است می‌توان زندگی نام نهاد، بلکه دائماً در میان مرگ و زندگی دست‌وپا می‌زند و این بدترین بلا و مصیبت برای آن‌ها است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ۲۶: ۳۹۹). این حالات به خاطر عذاب‌هایی است که در سوره غاشیه آمده «تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً. تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ. لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ. لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ» (غاشیه/ ۴-۷)؛ [ناچار] در آتشی سوزان درآیند. از چشمه‌ای داغ نوشانیده شوند. خوراکی جز خار خشک ندارند، [که] نه فربه کند و نه گرسنگی را باز دارد. به‌طور کلی مفسران برای موت، انواعی را ذکر نموده‌اند که معنای مناسب موت در این آیه حزن و غمی است که حیات را کدر نماید و اشاره بشدت عذاب جهنمیان و آن حزن و اندوهی است که در اثر اعمال و اخلاق نکوهیده بر آنان تاری گردیده و حیات آنان را کدر و سخت می‌گرداند چنانچه درباره آن‌ها فرموده «وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ» (ابراهیم/ ۱۷)؛ و مرگ از هر جایی به سویش می‌آید ولی نمی‌میرد و عذابی سنگین به دنبال دارد. خلاصه آیه یکی از اوصاف جهنمیان را تذکر می‌دهد که آن سیه‌بختان در جهنم نمرده‌اند و می‌میرند تا از عذاب نجات یابند و نه زنده‌اند به حیات نیکو که از حیات جاودانی لذت ببرند و کامیاب گردند گویا از شدت عذاب و حزن دمام می‌میرند و زنده می‌گردند تا آنکه طعم عذاب را بچشند (امین بیگم، بی‌تا، ۱۵: ۱۰۹)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز در کلمات خود می‌فرماید: «فَاخْذَرُوا نَارًا قَعْرُهَا بَعِيدٌ وَحَرُّهَا شَدِيدٌ وَعَذَابُهَا جَدِيدٌ دَارُ لَيْسَ فِيهَا رَحْمَةٌ وَلَا تُسْمَعُ فِيهَا دَعْوَةٌ وَلَا تُفْرَجُ فِيهَا

کَرْبَةً» بترسید و دوری کنید موجبات آتشی را که فعر آن دور و حرارت آن شدید و عذاب آن جدید و تازه شود، مکانی است که نیست در آن رحمت و شنیده نشود در آن خواندنی به اجابت و بر طرف نشود در آن سختی و زحمت. (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، رساله ۲۷:۳۸۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۷: ۱۰۴-۱۰۳ روایت ۱۶).

۳-۵. مخلوقات در محضر خدایند

در سوره اعلی در وصف خداوند آمده: او کسی است که هر چیز را به قدر اندازه داد و به راه کمالش هدایت کرد «وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى» (اعلی / ۳)؛ اما خداوند بعد از این لطف در حق مخلوقاتش، آنان را به حال خود رها نمی کند بلکه باز همه اعمال و رفتار مخلوقاتش را زیر نظر دارد «إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ» (طارق / ۴)؛ هیچ کس نیست مگر اینکه نگاهبانی بر او [گماشته شده] است. در بیان ارتباط این آیات که خداوند بعد از هدایت و راهنمایی انسان، او را به حال خود رها نمی کند و برایش حفاظت کننده ای تعیین می کند؛ مفسران در بیان اینکه منظور از حافظ در آیه مورد بحث کیست، نظرات متفاوتی را بیان نموده اند که نمونه از آن نظرات اشاره می شود: معدودی از تفاسیر معتقدند منظور از حافظ، خداوند است و در این تفاسیر در بیان معنای حافظ حرفی از مأموران و حافظان الهی زده نشده (مراغی، بی تا، ۳۰: ۱۱۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۴: ۷۳۴؛ کاشانی، ۱۴۲۳ ق، ۷: ۳۹۶) و در مقابل از نظر اکثر تفاسیر ملائک الهی حافظ نفوس انسانی مطرح شده اند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۱۰: ۷۱۵؛ زحیلی، ۱۴۱۸ ق، ۳۰: ۱۷۶؛ طوسی، بی تا، ۱۰: ۳۲۴) در نهایت با توجه به نظرات فوق در این که خداوند متعال قادر و حافظ مطلق است شکی نیست؛ لکن خداوند بعد از هدایت افراد آن ها را با اعمالشان به حال خود رها نکرده و افراد را زیر سایه حفاظتی که توسط فرشتگان و کاتبان اعمال ایجاد شده، محافظت نموده و با این وجود هیچ مخلوقی نمی تواند ادعا کند که حتی یک ثانیه در محضر خداوند نبوده و یا غائب از نظر خداوند است؛ بنابراین تمام مخلوقات در محضر خداوندند.

۳-۶. قیامت؛ روز آشکاری اسرار

در سوره طارق، خداوند روز قیامت را روزی دانسته که در آن روز همه‌ی اسرارها آشکار می‌شود و کسی قوتی در خود و یآوری برای نجاتش نخواهد داشت بلکه با اعمالشان برخورد می‌شود «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ. فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ» (طارق/۹-۱۰). بعد از اینکه در آستانه قیامت پنهانی‌ها، آشکار شود هر کسی بر حسب اسرار خودش نصیب خواهد داشت و در آن روز که "یوم البروز" و "یوم الظهور" است اسرار درون آشکار می‌شود، اعم از ایمان و کفر و نفاق، یا نیت خیر و شر، یا ریا و اخلاص و این ظهور و بروز برای مؤمنان مایه افتخار و مزید بر نعمت است و برای مجرمان مایه سرافکندگی و منشأ خواری و خفت و چه دردناک است که انسان عمری زشتی‌های درونی خود را از خلق خدا مخفی کرده باشد و با آبرو در میان مردم زندگی کند ولی در آن روز که همه اسرار پنهانی آشکار می‌گردد در برابر همه خلایق شرمسار و سرافکنده شود که گاه درد و رنج این عذاب از آتش دوزخ دردناک‌تر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ۲۶: ۳۶۹)

که در تبیین جایگاه این دودسته افراد در سوره غاشیه آمده است: «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ. وَجُوهٌُ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ. عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ. تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً. تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ. لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ. لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ» (غاشیه/۱-۷)؛ این آیات شریفه وصف حال کسانی است که اسرارشان مایه شرم ساریشان بود و آنچه در مقابل این اسرار گرفتند عذاب و بدبختی است. در مقابل گروهی هم هستند که اسرارشان مایه‌ی چشم روشنی آنان است و این اسرار وقتی در آستانه قیامت آشکار می‌شود باعث سعادت و مباحات و هم چنین پادشاهی فراوانی برای آنان به ارمغان می‌آورد «وَجُوهٌُ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ. لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ. فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ. لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً. فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ. فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ. وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ. وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ. وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ» (غاشیه/۸-۱۶).

۳-۷. تنها خالق هستی

در سوره طارق خداوند می‌فرماید: انسان باید بنگرد که از چه چیز خلق شده است «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ» (طارق/۵)؛ و بعد از این مطلب، ماده خلقت انسان را بیان می‌کند، خلقت

و اعاده را کار خدا دانسته «خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ. يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ. إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ» (طارق/۶-۸). در سوره اعلی باز خداوند را در جایگاه تسبیح، خالق مخلوقات می‌داند «الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى» (اعلی / ۲)؛ و در سوره بعدی به مواردی از مخلوقات اشاره شده که افراد در آنها تدبیر نموده و بعد از نگاه متفکرانه در مخلوقات به خالقیت یگانه پروردگار خویش اعتراف نمایند: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ. وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ. وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ. وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ.» (غاشیه/ ۱۷-۲۰) در آیه نخست، منکرین ربوبیت خدای تعالی را ابتدا دعوت می‌کند به اینکه در کیفیت خلقت شتر نظر و دقت کنند که چگونه خلق شده و خدای تعالی آن را چگونه از زمینی مرده و فاقد حیات و بی شعور به این صورت عجیب در آورده، صورتی که نه تنها خودش عجیب است، بلکه اعضا و قوا و افعالش نیز عجیب است و این هیکل درشت را مسخر انسان‌ها کرده، (یک کودک از انسان‌ها افسارش را می‌کشد و به هر جا بخواهد می‌برد) و انسان‌ها از سواری و بارکشی و گوشت و شیر و پوست و کرکش و حتی از بول و پشگلش استفاده می‌کنند، آیا هیچ انسان عاقلی به خود اجازه می‌دهد که احتمال معقول بدهد که شتر و این فوایدش به خودی خود پدید آمده باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۲۰: ۴۵۹) پس با توجه به این آیات می‌توان گفت: امور چهارگانه‌ای که در آیات فوق آمده زیر بنای زندگی انسان را تشکیل می‌دهد: آسمان کانون نور است و باران و هوا و زمین مرکز پرورش انواع مواد غذایی کوه‌ها رمز آرامش و ذخیره آب و مواد معدنی و شتر نمونه روشنی از چهارپایان اهلی که در اختیار بشر قرار دارد. به این ترتیب هم مسائل کشاورزی، هم دامداری و هم صنعتی در این امور چهارگانه نهفته شده است و اندیشه در این نعمت‌های گوناگون، خواه ناخواه انسان را به شکر منعم وامی‌دارد و شکر منعم او را به معرفت الله و شناخت خالق نعمت دعوت می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ۲۶: ۴۳۲) بنابراین تمام مخلوقات توسط خالق یگانه که تدبیر تمام امور را به دست دارد خلق شده و آن خالق یکتا خداوند متعال است.

۳-۸. سرای آخرت برای سعادتمندان بهتر و ماندگارتر است

در سوره اعلی، آخرت را بهتر و با دوام تر دانسته است «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی/۱۷). قطعاً سرای آخرت برای اهل سعادت بهتر و ماندگارتر است این در حقیقت همان مطلبی است که در احادیث نیز آمده: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ»؛ محبت دنیا سرچشمه هر گناهی است. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۳۱۷) و دلیل این بهتر بودن در سوره غاشیه آمده است: «فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ. لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً. فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ. فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ. وَ أَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ. وَ نَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ. وَ زُرَابِي مَبْتُوثَةٌ» (غاشیه/۱۰-۱۶)؛ در بهشت برین اند. سخن بیهوده‌ای در آنجا نشنوند. در آن، چشمه‌ای روان باشد. تخت‌هایی بلند در آنجاست؛ و قدح‌هایی نهاده شده؛ و بالش‌هایی پهلوی هم [چیده]؛ و فرش‌هایی [زربفت] گسترده؛ بنابراین هیچ عقلی اجازه نمی‌دهد که انسان سرای باقی را به متاع فانی بفروشد و این لذات مختصر و آمیخته با انواع درد و رنج را بر آن همه نعمت جاویدان و خالی از هر گونه ناملاتمات مقدم بشمرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ۲۶: ۴۰۴)

۴. سوره اعلی: چکیده سور مسبحات

برای فهم هدف سوره اعلی، باید هدف تسبیح در این سوره دانسته شود. اصل تسبیح از «سباحه» و «سبح» است، سبح و سباحه به معنای شنا کردن در آب است و در همین معنا است آیه شریفه «... كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبِخُونَ» (انبیاء/۳۳)؛ هر کدام از این دو در مداری [معین] شناورند؛ و در همین معنای شناگری است آیه شریفه «وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا» (نازعات/۳)؛ به فرشتگانی که [در دریای بی‌مانند] شناکنان شناورند. تسبیح نیز در همین معناست؛ یعنی حرکت سریع در عبادت خداوند و تنزیه خداوند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۳۹۲؛ ابن درید، ۱۹۸۸ م، ۱: ۲۷۷).

هدف کلی سور مسبحات در سوره مبارکه اعلی آمده است از آیه ۱ تا ۵ تسبیح و جایگاه آن گوش‌زد شده است «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى. الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى. وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى. وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى. فَجَعَلَهُ غَنَاءً أَحْوَى» (اعلی ۱-۵)؛ نام پروردگار والای خود

را به پاکی به ستای: همان که آفرید و هماهنگی بخشید؛ و آنکه اندازه گیری کرد و راه نمود؛ و آنکه چمنزار را برآورد و پس [از چندی] آن را خاشاکی تیره گون گردانید.

در ادامه، دو وعده در راستای فرمان تسبیح به پیامبر (ص) داده می شود تا به پشتوانه‌ی آن‌ها رسالت خویش را با موفقیت به انجام برسانند: وعده اول، از بین بردن نگرانی رسول الله، در رابطه با دریافت، حفظ و ابلاغ وحی است؛ بدین تفصیل که ای رسول به زودی قرآن را بر تو اقراء^۱ کرده، بر آن نظارت می کنیم؛ به گونه‌ای که کلمه‌ای از آن کم یا زیاد نشود تا در نتیجه این اقراء، آنچه را که نازل شده فراموش نکنی: «سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى» (اعلی ۶/۶)؛ به زودی [آیات خود را به وسیله سروش غیبی] بر تو خواهیم خواند تا فراموش نکنی. دومین وعده، آسان کردن امر تبلیغ است؛ به این بیان که ما خودت را برای آن آسان، آسان می کنیم: «وَيُسِّرُكَ لِلْيُسْرَى» (اعلی ۸/۸)؛ و برای تو آسان‌ترین [راه] را فراهم می گردانیم؛ یعنی ای پیغمبر امر تبلیغ و تبیین قرآن را برایت آسان می کنیم که همواره برای دعوت و تبلیغ زبانی و عملی، آسان‌ترین طریق را پیمایی؛ آن گونه که درخواست حضرت موسی (ع) از خدا بود: «وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي» (طه/۲۶) (رک: الهی زاده، ۱۳۹۶، ۲۵۲)

خداوند در آیه ۶ این سوره الطاف خود را به پیامبرش بیان می کند همان‌طور که در سوره حشر و سور مسبحات بعد از خداوند، این شخصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است که جلوه گری می کند. در این سوره‌ها خداوند در هر حال پیامبرش را تنها نمی گذارد و یار و یاورش است. دوستانش را عزیز می کند «... وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ...» (منافقون ۸/۸)؛ دشمنانش را ذلیل می کند «إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذْلَلِينَ» (مجادله ۲۰/۲۰)؛ «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ مَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر ۴/۴)؛ و خودش را در حال تأیید می کند «سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى» (اعلی ۶/۶)؛ طبیعتاً بعد از این توضیحات وظیفه مسلمانان پی بردن به نقص خود و حرکت به سوی این کمالات و این ساحل نجات و پاکی است؛ به خاطر همین خداوند در آیه ۹ این سوره فرموده: «فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى» اگر بخواهیم این آیه شریفه را متناسب با حال و هوای

۱- اقراء به معنای تحویل گرفتن قرائت قاری و برای تصحیح قرائت وی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ش، ۲: ۲۶) ۱.

کل مسبحات تفسیر کنیم، چنین می‌شود: ای رسول ما بعد از شنیدن این همه کمالات و الطاف، آتش بزن تا آتش بگیرند. آری هر کس کمالات خدا را دریابد و در مقابل آن کمالات به نقص خودش پی ببرد آتشی در جانش می‌افتد و حرکت او را به سمت این کمالات سرعت می‌بخشد و با این آتش گرفتن است که انسان‌ها خودشان را هالو و تو خالی فرض خواهند کرد و خدایشان را کمال مطلق و صمد توپر خواهند یافت اینجا ابتدای شناگری به ساحل پاکی است در آیه ۱۴ این سوره اضافه می‌کند «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى»؛ یعنی کسانی حق دارند به این سفینه نجات مسبحات سوار شوند که قبلاً خود را از همه تعلقات پاک کرده باشند و اسم پروردگار خود را تسبیح کنند «وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (اعلی ۱۵). آخر سوره اعلی همان نتیجه مسبحات است. نتیجه مسبحات به سلامتی مردن است «... فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (بقره ۱۳۲)، در سوره اعلی نیز همین نتیجه آمده است: «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی ۱۷). آخرت برای کسانی بهتر و پایدارتر است که به سلامتی مرده باشند.

نتیجه‌گیری

سوره به‌طور کامل در مکه نازل شده است و در ۸ محور موضوعی تسبیح، جایگاه تسبیح و اصل تسبیح، تذکر دادن، وظیفه پیامبر (ص)، پند گریزان در انتظار آتشی بزرگ، زنده ماندنی که بدترین وبال است، حاضر بودن مخلوقات در محضر خداوند، قیامت؛ روز آشکاری اسرار، تنها خالق هستی و سرای آخرت برای سعادت‌مندان بهتر و ماندگارتر است، با سوره مجاور و زوج مرتبط شده و هویت مستقل آن مشخص می‌شود. سوره اعلی با تسبیح شروع می‌شود «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» (اعلی ۱)؛ و از آیه ۲-۴ که با الذی شروع می‌شود «الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى. وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى. وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى» (اعلی ۲-۴)؛ در این آیات شریفه خداوند جایگاه تسبیح را بیان می‌کند و آیه مورد بحث تا چهار آیه بعد در مقام توصیف تدبیر الهی است. در این راستا از آیه ۲ تا ۱۴، جایگاه تسبیح و علت تسبیح را گوشزد می‌کند و وظیفه‌ی انسان را در مقابل این کمالات خدا بیان می‌کند در آیه ۱۵ از ذکر نام پروردگار و خضوع صحبت می‌کند «وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» اگر اول سوره از

تسبیح نام خدا صحبت کرده و اینجا فقط از ذکر نام خدا، بدین خاطر است که ذکر نام خدا منجر به تسبیح نام خدا می‌شود، خدایی که نامش مستجمع جمیع کمالات است طبعاً انسانی که این نام را ذکر کند خود را مستجمع جمیع نغزها خواهد یافت و به تسبیح نام خدا خواهد پرداخت؛ و در آیات ۱۷-۲۰ سوره غاشیه «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ. وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ. وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ. وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ» (غاشیه/۱۷-۲۰)؛ در این آیات شریفه خداوند کیفیت خلقت را بازگو می‌کند تا با تأمل در آن‌ها به اصل تسبیح پی برده شود؛ تسبیحی که وسیله نجات است.

خداوند در سوره اعلی به رسول گرامی‌اش امر می‌کند که «فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى» (اعلی/۹)؛ پس پند بده، اگر پند سود بخشد. در سوره غاشیه هم وظیفه‌ی رسولش را پند دادن می‌داند: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (غاشیه/۲۱)؛ پس تذکر ده که تو تنها تذکر دهنده‌ای. در سوره اعلی برای کسانی که از تذکر رسول (ص) پند نگیرند اضافه کرده «سَيَذَكِّرُكَ مَنْ يُخْشَى. وَ يَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى. الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى» (اعلی/۱۰-۱۲)؛ این عدم پندپذیری و عاقبت شقی‌ها در سوره غاشیه نیز آمده است: «إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ. فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ» (غاشیه/۲۳-۲۴)؛ اگر کسی که روی بگرداند و کفر ورزد، که خدا او را به آن عذاب بزرگتر عذاب کند.

در سوره اعلی سرنوشت اشقیا را در آتش می‌داند، آتشی که نه در آن بمیرند و نه به حال سلامتی برگردند «الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى. ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى» (اعلی/۱۲-۱۳)؛ این حالات به خاطر عذاب‌هایی است که در سوره غاشیه آمده «تَصْلَى نَاراً حَامِيَةً. تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ. لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ. لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ» (غاشیه/۴-۷).

در سوره اعلی در وصف خداوند آمده: او کسی است که هر چیز را به قدر اندازه داد و به راه کمالش هدایت کرد «وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى» (اعلی/۳)؛ اما خداوند بعد از این لطف در حق مخلوقاتش، آنان را به حال خود رها نمی‌کند بلکه باز همه اعمال و رفتار مخلوقاتش را زیر نظر دارد «إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ» (طارق/۴)؛ هیچ کس نیست

مگر اینکه نگاهبانی بر او [گماشته شده] است. در بیان ارتباط این آیات که خداوند بعد از هدایت و راهنمایی انسان، او را به حال خود رها نمی‌کند و برایش حفاظت کننده‌ای تعیین می‌کند.

در سوره طارق، خداوند روز قیامت را روزی دانسته که در آن روز همه‌ی اسرارها آشکار می‌شود و کسی قوتی در خود و یاوری برای نجاتش نخواهد داشت بلکه با اعمالشان برخورد می‌شود «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ. فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ» (طارق/۹-۱۰). تبیین جایگاه افراد در سوره غاشیه آمده است: «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ. وَجُوهُ يُومِنُونَ خَاشِعَةً. عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ. تَصْلِي نَارًا حَامِيَةً. تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ. لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ. لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ» (غاشیه/۱-۷)؛ این آیات شریفه وصف حال کسانی است که اسرارشان مایه شرم ساریشان بود و آنچه در مقابل این اسرار گرفتند عذاب و بدبختی است. در مقابل گروهی هم هستند که اسرارشان مایه‌ی چشم روشنی آنان است و این اسرار وقتی در آستانه قیامت آشکار می‌شود باعث سعادت و مباحات و هم چنین پادشاه‌های فراوانی برای آنان به ارمغان می‌آورد «وَجُوهُ يُومِنُونَ نَاعِمَةً. لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ. فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ. لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً. فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ. فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ. وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ. وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ. وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ» (غاشیه/۸-۱۶).

غرض سوره اعلی همان نتیجه و چکیده سور مسبحات است که در دو محور عنایت و حمایت ویژه از پیامبر (ص) و «به سلامتی مردن» و پاک و بی‌آلایش برای جهان ابدی بودن را تشریح می‌کند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: فولادوند، محمدمهدی، ۱ جلد، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی - ایران - تهران، چاپ: ۳، ۱۴۱۸ ه.ق.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ ق). *نهج البلاغه (للصباحی صالح)* - قم، چاپ: اول.
- ابن جزی، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ ه.ق). *التسهيل لعلوم التنزيل*، ۲ جلد، شركة دار الأرقم بن أبی الأرقم - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ ه.ق). *زاد المسیر فی علم التفسیر*، ۴ جلد، دار الکتاب العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- ابن درید، محمد بن حسن. (بی تا). *جمهرة اللغة* - بیروت، چاپ: اول.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- امین، نصرت بیگم. (بی تا). *تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن*، ۱۵ جلد، [بی نا] - [بی جا] - [بی جا]، چاپ: ۱.
- الهی زاده، محمدحسین. (۱۳۹۶). *درسنامه تدبر در قرآن جزء ۳۰*، مشهد: موسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره، چاپ هفتم.
- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ ه.ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، ۱۶ جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ ه.ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، ۶ جلد، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ ه.ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)*، ۵ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ ه.ق). *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*، ۱۰ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- ثعلبی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۸ ه.ق). *تفسیر الثعلبی المسمى بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، ۵ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.

- جرجانی، حسین بن حسن. (۱۳۷۸ ه.ق). *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسیر گازر)*، ۱۱ جلد، دانشگاه تهران - ایران - تهران، چاپ: ۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). *مفردات ألفاظ القرآن* - بیروت - دمشق، چاپ: اول.
- زحیلی، وهبه. (۱۴۱۱ ه.ق). *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، ۳۲ جلد، دار الفکر - سوریه - دمشق، چاپ: ۲.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ ه.ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، ۴ جلد، دار الکتب العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۳.
- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ ه.ق). *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، ۳ جلد، دار الفکر - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ ه.ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، ۶ جلد، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) - ایران - قم، چاپ: ۱.
- شیبانی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳ ه.ق). *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*، ۵ جلد، نشر الهادی - ایران - قم، چاپ: ۱.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*، ۱۰ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ه.ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ۱۰ جلد، ناصر خسرو - ایران - تهران، چاپ: ۳.
- _____ (۱۴۱۲ ه.ق). *تفسیر جوامع الجامع*، ۴ جلد، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت - ایران - قم، چاپ: ۱.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴ ه.ش). *ترجمه تفسیر المیزان*، ۲۰ جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی - ایران - قم، چاپ: ۵.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ه.ق). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، ۳۲ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۳.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ ه.ق). *تفسیر الصافی*، ۵ جلد، مکتبه الصدر - ایران - تهران، چاپ: ۲.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۶ ه.ق). *بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز*، ۶ جلد، جمهوری مصر العربیة، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للثئون الاسلامیة - مصر - قاهره، چاپ: ۳.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ ه.ش). *تفسیر القمی*، ۲ جلد، دار الکتاب - ایران - قم، چاپ: ۳. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ ه.ش). *الجامع لأحكام القرآن*، ۲۰ جلد، ناصر خسرو - ایران - تهران، چاپ: ۱.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۸ ه.ش). *تفسیر نور*، ۱۰ جلد، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن - ایران - تهران، چاپ: ۱.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). *الکافی (ط - الإسلامية)* - تهران، چاپ: چهارم. لسانی فشارکی، محمد علی و حسین مرادی زنجانی. (۱۳۹۳ ش). *روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم*، قم: بوستان کتاب.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت*، چاپ: دوم. مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ ه.ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، ۵ جلد، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۱.

میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ ه.ش). *کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)*، ۱۰ جلد، امیر کبیر - ایران - تهران، چاپ: ۵.

مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). *تفسیر المراغی*، ۳۰ جلد، دار الفکر - لبنان - بیروت، چاپ: ۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ ه.ش). *تفسیر نمونه*، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱۰.